

مفوضات - ضرورت تعمید

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



ضرورت تعمید - مفوضات - اثر حضرت عبدالبهاء - بر

اساس نسخه طبع سنه ۱۹۰۸ م

غسل تعمید موافقت و لازم یا آنکه غیر موافق و غیر لازم؟

سؤال

این غسل تعمید یا موافق است و لازم یا آنکه غیر موافق و غیر لازم در صورت اولی با وجود لزوم چگونه منسوخ شد و در صورت ثانیه با وجود عدم لزوم چگونه یوحناً مجری داشت؟

جواب

تغییر احوال و تبدل و انقلاب زمان از لوازم ذاتیه ممکناتست و لزوم ذاتی از حقیقت اشیا انفکاک ندارد . مثلاً انفکاک حرارت از آتش رطوبت از ماء شعاع از شمس محال و ممتنع است زیرا لزوم ذاتی است و چون تغیر و تبدل حال از لوازم ممکناتست لهذا احکام نیز بسبب تبدل و تغیر زمان تبدیل شود . مثلاً در زمان موسی مقتضی و مناسب حال شریعت موسویّه بود و چون در زمان حضرت مسیح آن حال تبدل و تغیر یافت بقسمی که دیگر شریعت موسویّه مناسب و موافق عالم انسانی نبود لهذا نسخ گردید چنانچه حضرت روح سبت را شکست و طلاقرا حرام فرمود . و بعد از حضرت مسیح حواریون اربعه من جمله پطرس و پولس حیوانات محرّمه تورات را تحلیل کردند ماعدای لحم مخنوق و قرابین اصنام و خون و همچنین زنا این احکام اربعه را باقی گذاشتند . بعد پولس لحم مخنوق و ذبائح اصنام و دم را نیز حلال نمود و تحریم زنا را باقی گذاشت چنانکه بولس در آیه چهاردهم از فصل چهاردهم از رساله خود



ORIGINAL



AUDIO

باهل رومیّه مینویسد " من میدانم و معتقدم بر بّ مسیح که هیچ چیز نجس العین نیست بلکه هر چیز نجس است بجهت آنکس که نجس می‌شورد " و همچنین در آیه پانزدهم از فصل اول از رساله بولس به طیطوس مذکور " جمیع اشیا بجهت پاکان پاکست و از برای ناپاک چیزی پاک نیست زیرا آنان کلّ نجسند حتّی عقول و ضمائرشان ". حال این تغییر و تبدیل و نسخ بجهت آن بود که عصر مسیح قیاس بعصر موسی نمیشد بلکه حال و مقتضی بکلّی تغییر و تبدیل یافت لهذا آن احکام منسوخ گردید زیرا وجود عالم مانند انسانست و انبیا و رسل الهی طیبیان حاذق . شخص انسانی بر حالت واحده نماند امراض مختلفه عارض گردد و هر مرضی را علاجی مخصوص پس طیب حاذق هر علل و مرضا معالجه واحده نماید بلکه بمقتضای اختلاف امراض و احوال ادویه و علاج را تغییر دهد . زیرا بر این شخص مرض هائل از حرارت عارض بود فلا بدّ طیب حاذق ادویه بارده داد و چون وقتی دیگر مزاج این شخص منقلب شد حرارت ببرودت تبدیل گشت لا بدّ طیب حاذق ادویه بارده را نسخ نمود و ادویه حاره تجویز نمود و این تغییر و تبدیل از مقتضای حال مریض است و بر حذاقت طیب دلیل جلیل . مثلاً ملاحظه نمائید آیا شریعت تورات در این عصر و زمان ممکن الاجراست ؟ لا و الله بلکه مستحیل و محالست پس لا بدّ خداوند متعال آن شریعت تورات را در زمان مسیح نسخ فرمود . و همچنین ملاحظه نمائید که غسل تعمید در زمان یوحنا ی معمدان سبب تدگر و تنبه نفوس بود تا از جمیع گناهان توبه نمایند و منتظر ظهور ملکوت مسیح گردند . اما در این ایام در آسیا قاتولیک و ارتودکس اطفال شیر خوار را در این آب مخلوط بروغن زیتون غوطه دهند بقسمی که بعضی اطفال از این زحمت مریض گردند و در وقت تعمید بلرزند و مضطرب شوند و در جای دیگر آب تعمید قسیس پیشانی پاشد و اطفال چه شقّ اول و چه شقّ ثانی بهیچوجه احساس روحانی ندارند پس چه ثمری از این حاصل بلکه سائر ملل تعجب و استغراب نمایند که این طفل رضیع را چرا در این آب غوطه دهند نه سبب تنبه طفل است و نه سبب ایمان و نه سبب ایقاز مجرد یک عادت است که مجری میدارند . اما در زمان یوحنا ی معمدان چنین نبود بلکه حضرت یوحنا ابتدا نفوسرا نصیحت میفرمود و بتوبه از گناه دلالت میکرد و بانتظار ظهور مسیح تشویق مینمود هر نفسی که غسل تعمید می یافت در نهایت تضرّع و خشوع توبه از گناه میکرد و جسد خویش را نیز از اوساخ ظاهری طیب و طاهر مینمود و در کمال اشتیاق شب و روز آناً فاناً منتظر ظهور مسیح بود و دخول در ملکوت روح الله . باری مقصود اینست که تغییر و تبدیل احوال و انقلاب مقتضیات قرون و اعصار سبب نسخ شرایع گردد زیرا زمانی آید که آن احکام موافق و مطابق احوال نباشد . ملاحظه نمائید که مقتضیات قرون اولی با مقتضیات قرون وسطی با مقتضیات قرون اخیره چه قدر متفاوتست . ممکن است الآن که احکام قرون اولی در این قرون اخیره جاری گردد ؟ واضح است که ممتنع و محال است . و همچنین بعد از قرون کثیره که بگذرد مقتضای

قرون حالیه موافق قرون آتیه نباشد و لابد از تغییر و تبدیل است . در اروپا احکام متصلاً تغییر و تبدیل کند چه بسیار حکم که در سنین سابقه در قوانین و نظامات اروپا موجود بود و حال منسوخ گشته . این تغییر و تبدیل بجهت تبدل و تغییر افکار و احوال و اطوار است و بدون این سعادت عالم بشریه مختل . مثلاً حکم تورات است که اگر سبت را کسی بشکند حکم قتل است بلکه ده حکم قتل در تورات است حال در قرون حالیه ممکن است این احکام اجرا گردد ؟ واضح است که ممتنع و مستحیل است . لهذا تغییر و تبدل یافت و این تبدل و تغییر احکام دلیل کافی بر حکمت بالغه الهیه است . در این مسأله تعمق لازمست و سبب لائح و واضح طوبی للمتفکرین .